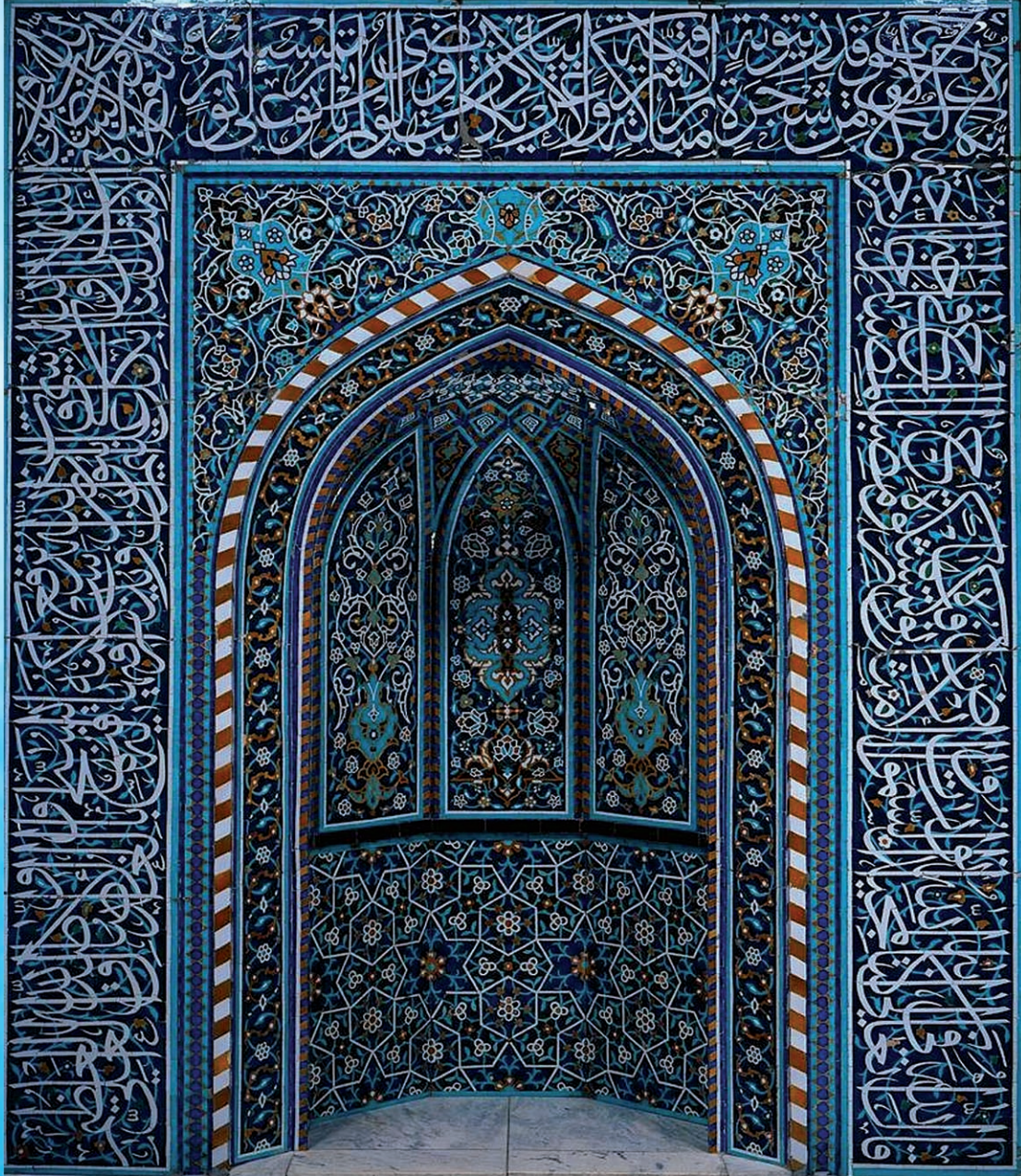




ویژہ نامہ تخصصی نماز



چشم انداز سند دانشگاه اسلامی

سلسلہ مباحث تخصصی نماز



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

چشم انداز «سند دانشگاه اسلامی»*

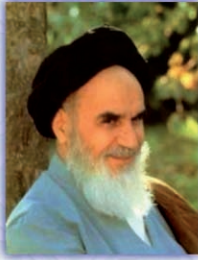
از مسائل مهم و اولیه انقلاب مقدس اسلامی ایران استحکام بخشیدن به مبانی اعتقادی در مراکز آموزش عالی است و تلاش مسئولین محترم در این زمینه همواره به صورت رسمی و غیر رسمی ادامه داشته است. در دهه دوم انقلاب اسلامی پیرو یکی از بیانات رهبر معظم انقلاب حضرت امام خامنه ای، از طرف شورای عالی انقلاب فرهنگی بر اساس مصوبه جلسه ۴۰۲ مورخ ۱۳۷۶/۵/۱۴ (شورای اسلامی شدن دانشگاه ها و مراکز آموزشی) تشکیل گردید. براساس آیین نامه شورای مذکور - که در جلسه ۴۲۴ مورخ ۱۳۷۷/۵/۱۳ شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد- بررسی و پیشنهاد سیاست ها و راهبردهای مرتبط با اسلامی شدن مراکز آموزش عالی، اولویت اصلی شورا قرار گرفت، و نتیجه آن مصوبه ای به نام «سند دانشگاه اسلامی» در سال ۷۹ بود که شاید اولین سند مدون ملی در راستای تحقق آرمان انقلاب اسلامی است که بامشارکت صاحب نظران تدوین گردید. در تاریخ ۸۹/۱۲/۱۸ مصوبه ۲۱۲ «شورای اسلامی شدن دانشگاه ها» دبیرخانه شورا مامور بازنگری و بروزرسانی سند مذکور شد. و سرانجام مصوبه جلسه ۷۳۵ مورخ ۹۲/۴/۲۵ شورای عالی فرهنگی در این زمینه به زیرمجموعه های مربوطه جهت به کارگیری ابلاغ گردید. مصوبه نهایی حاوی کلیات و موارد زیر است:

- مأموریت
- اصول و مبانی
- چشم انداز
- اهداف کلان
- نظام «فرهنگی، تربیتی»
- نظام «آموزشی»
- نظام «پژوهش و فناوری»
- نظام «مدیریتی»
- چارچوب نهادی و نظام اجرایی «سند دانشگاه اسلامی»^۱

آنچه همواره مد نظر مسئولین دانشگاه شیخ بهائی بوده و هست تلاش و جدیت پیگیر در زمینه تحقق این آرمان بزرگ انقلاب اسلامی است، بدین امید که بتوانیم در این راستا دین خود را با الهام گیری از رهبر معظم انقلاب هر چه بهتر به جامعه اسلامی ادا نموده و ضرورت اهتمام به این مسئولیت انقلابی را به نسلهای بعدی نیز منتقل نماییم.

* - دکتر سید محمود خاتون آبادی، معاونت فرهنگی دانشگاه شیخ بهائی

^۱ - برگرفته از «سند دانشگاه اسلامی» مصوبه شورای اسلامی شدن دانشگاه ها و مراکز آموزشی



رهنمود رهبران انقلاب در راستای «سند دانشگاه اسلامی»*

- منشأ همه سعادت‌ها، مادی و معنوی، از دانشگاه است.
- دانشگاه، مبدأ همه تحولات است.
- از دانشگاه باید سرنوشت یک ملت تعیین شود.
- دانشگاه در رأس امور است و تقدیر یک کشور و مقدرات کشور بسته به وجود آن است.
- ما که می‌گوئیم دانشگاه باید از بنیان تغییر بکند و تغییرات بنیادی داشته باشد و اسلامی باشد. نه این است که فقط علوم اسلامی را در آنجا تدریس کنند.
- دانشگاه‌ها باید تغییر بنیانی کند و باید از نو ساخته بشود که جوانان ما را تربیت کنند به تربیت‌های اسلامی. اگر تحصیل علم می‌کنند در کنار آن تربیت اسلامی باشد.
- باید دانشگاه اسلامی بشود تا علمی که در دانشگاه تحصیل می‌شود در راه ملت و در راه تقویت ملت و با احتیاج ملت همراه باشد.
- عزیزان من تا موقعی که دانشگاه اسلامی نشود، این کشور اسلامی نخواهد شد.
- معنی اسلامی شدن دانشگاه این است که استقلال پیدا کند و خودش را از غرب جدا کند.
- اگر دانشگاه واقعاً اسلامی باشد؛ یعنی در کنار تحصیلات، تهذیب و تعهد نیز باشد، می‌تواند کشور را نجات بدهد.
- دانشگاه کارخانه انسان‌سازی است.
- دانشگاه باید مرکز درست کردن انسان باشد.
- ما انقلاب دانشگاه را از محصولش باید بفهمیم، اگر ان‌شاءالله بعد از چند سالی دیگر محصول، محصولی شد انسانی، محصولی شد برای کشور خودشان زحمت می‌کشند و کار می‌کنند، می‌فهمیم تحول پیدا شده.
- اسلامی شدن دانشگاه بدون اسلامی شدن عناصر مختلف آن میسر نیست.



- ما می‌توانیم به صورت قاطع ادعا کنیم که در نظر رهبری کبیر فقید ما، مسئله دانشگاه‌ها جزو مسائل طراز اول برای انقلاب و کشور بوده است.
- در زمینه اسلامی کردن دانشگاه‌ها اعتقاد من این است که هر چه ما در این زمینه کار کنیم زیاد نیست.
- توقع ما از دانشگاه‌های کشور و مرکز علم کشور این است که اگر یک جوان کم اعتقاد لایبالی وارد دانشگاه شد، در حالی از دانشگاه بیرون بیاد که عمیقاً متدین و دارای تعهد دینی و اخلاق دینی است. توقع ما از دانشگاه این است.
- اسلامی کردن دانشگاه‌ها یک معنای عمیق و وسیع و جامعی دارد؛ و به اعتقاد من، از نان شب برای دانشگاه‌ها واجب‌تر است!
- محیط دانشگاه را انقلابی و اسلامی کنید. محیط دانشگاه باید به جهت‌گیری اسلامی برگردد.
- برادران عزیز! دانشگاه اسلامی نیست، باید اسلامی بشود این نمی‌شود مگر با یک تحول عمیق، بنیادی، دلسوزانه، بلندمدت، برنامه‌ریزی شده و همه جانبه از سوی شما.
- امروز کشور به دانشگاهی که حقیقتاً اسلامی باشد، نیازمند است.
- از اینکه شما بگوئید، ما می‌خواهیم دانشگاه اسلامی باشد خجالت نکشید و نترسید.

* - برگرفته از «سند دانشگاه اسلامی» مصوبه شورای اسلامی شدن دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی



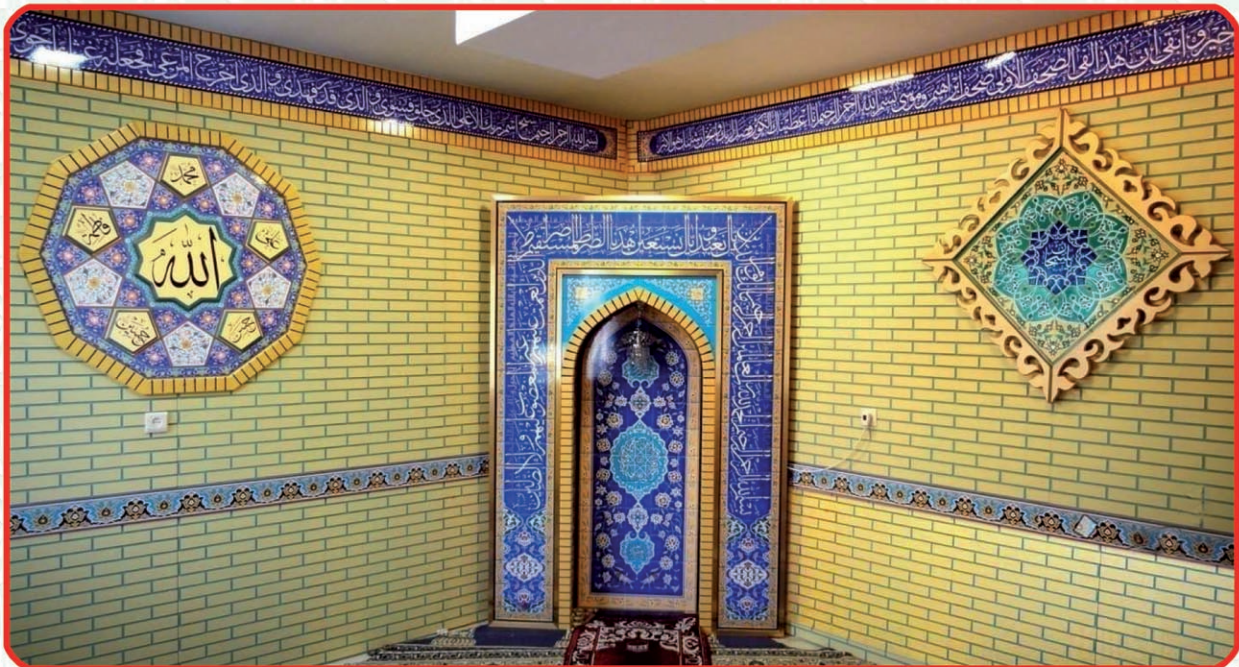
- دانشگاه اسلامی دانشگاهی است مستقل، مولد، مفید و مهذب.
- عجین بودن دانشگاه با فرهنگ اسلامی به منظور تهذیب دانش و دانشمند و فراگیرنده و فرادهنده، ضرورتی اجتناب-ناپذیر می باشد.
- به طور کلی، تحول اسلامی دانشگاه بایستی در کلیه مراتب و شئون دانشگاه (دانشجو، استاد و ساختار آموزشی) باشد.
- دانشگاه اسلامی علم و ایمان، علم و معنویت، علم و اخلاق را باهم همراه می کند. علم را می آموزد و جهت گیری علم را از اخلاق و ایمان می گیرد... سلاح علم با راهبری ایمان، اهداف متعالی را دست یافتنی می نماید.
- دانشگاه اسلامی، دانشگاهی است که در آن در کنار علم، فرهنگ و تزکیه و اخلاق و معنویت هم لازم است در این هیچ شبیه نکنید.
- دانشگاه اسلامی، محل تجلی عشق ورزی به علم و علم آموزی عاشقانه و مومنانه است. در دانشگاه اسلامی، علم نور است و دنبال علم رفتن قدسیت دارد و برخورداری از ایمان، انگیزه، شور مقدس، رفتار اسلامی و علم آموزی مومنانه است.
- باید دین، وجه غالب باشد. معنای اسلامی بودن دانشگاه هم همین است؛ متدین بودن دانشگاه، یعنی دانشگاهی که بتواند علم را در خود بجوشاند؛ همچنان که اسلام، یک روز در بین مردم این حالت را به وجود آورد، در حالی که با علم، هیچ رابطه ای نداشتند!
- اگر بخواهید دانشگاه، علمی هم بشود باید اسلامی بشود؛ از شاخصه های اسلامی شدن، علمی و عمیق شدن است. خود باور بودن استاد و دانشجو است، اتکا به نفس داشتن استاد و دانشجو است.
- مدیریت ها باید برای اسلام در دانشگاه ها اصالت قائل شوند و روشها و وابط باید صددرصد اسلامی باشد و مدیر و دانشجو و استاد رعایت احکام اسلام را بکنند.
- در دانشگاه اسلامی علم ارزش است. دینداری ارزش است. علم آموزی مومنانه ارزش است، تعهد به اسلام و انقلاب و خدمت به مردم ارزش است.
- در دانشگاه اسلامی؛ علم با دین، تلاشگری با اخلاق، تضارب افکار با سعه صدر، تنوع رشته ها با وحدت هدف، کار سیاسی با سلامت نفس، تعمق و ژرف نگری با سرعت عمل و خلاصه دنیا با آخرت همراه است.
- در دانشگاه اسلامی علم ارزش است و دوست داشته می شود و آن را بنیت خالص و برای خدا دنبال می کنند.
- تعمیق دین و ارزش های اخلاقی را در دانشگاه اصل قرار دهید.
- استاد باید واقعاً احساس غرور ملی و غیرت دینی کند و سرشار از عشق به اسلامی و انقلاب، غرور ملی دینی و روحیه خدمت باشد او باید مدافع و مروج خلاقیت و نوآوری و ابتکار باشد.
- رسالت اصلی تربیت فکری، علمی، اخلاقی و تقویت باورها و رفتارهای مذهبی و ارزش های انقلابی دانشجویان بر عهده استادان است. این برنامه ریزی می خواهد به خصوص در دوره لیسانس.
- شورای عالی انقلاب فرهنگی باید یکی از اهم وظایف و واجبات خودش را این قرار بدهد که ما چه کنیم تا محیط دانشگاه محیطی باشد تکه در آن، پرورش دانشجو، دینی، انقلابی، توأم با آگاهی سیاسی و با روحیه با نشاط دانشجویی باشد.
- از جمله شئون دانشگاه اسلامی، نور بودن علم و قدسیت آن است.
- رسالت اصلی دانشگاه علم است، منتهی باید به مسئله فرهنگ، نگاه مدبرانه داشت.
- مادامی که دانشگاه پرورشگاه متخصصان مسلمان و متعهد نباشد، دانشگاه مطلوب انقلاب نخواهد بود.
- در دانشگاه به مسئله فرهنگ خیلی باید پرداخت و به آن در داخل محیط دانشگاه اهمیت داد، البته امام (ره) هدف اصلی مراکز آموزشی را انسان سازی می دانست. بنابراین دانشگاه اسلامی باید در کنار توزیع و تولید دانش و تأمین نیروی ماهر، مرکز تعلیمی و تربیت و پرورش انسان ها باشند.
- متدین کردن جوانهای دانشجو باید وجهه همتان در آموزش عالی باشد.
- می دانید ملت ها، خصال ملی دارند... ما این روحیه شور و شوق را، میل به تحقیق را، کنجکاوری را، خسته نشدن و پیگیری کردن را باید در ملت مان به وجود آورید این روحیه کم است، نیست... کار جمعی هم جز خصال ملی ما نیست، این یک نقص ملی است در ما؛ این را باید درست کرد. این کار، کار دانشگاه است، باید مسئله فرهنگ هم بپردازد.
- ما می توانیم این جوان را صبور، قانع، مایل به کار، مایل به تحقیقات، اهل کار جمعی، اهل اغماض، اهل تغلیب عقل احساس، اهل انصاف، اهل وقت شناسی، اهل وجدان کاری تربیت کنیم.
- دانشجویان و دانش آموزان باید فریضه آموزش علم را با کسب مهارت و تجربه توأم سازند.

سلسله مباحث تخصصی نماز*

به طور کلی پیرامون نماز از دو جهت امکان بررسی و پژوهش وجود دارد یکی از باب دانسته های نظری و دیگری مسائل کاربردی است که تنها دانستن آن کافی نیست بلکه آثار آن در پیاده کردن قابل دسترسی است در این رابطه با توجه به توصیه معاونت محترم فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم، تصمیم گرفته شد مطالبی را تحت عنوان سلسله مباحث تخصصی نماز ابتدا به صورت ویژه نامه در سطح دانشگاه منتشر شود، در این ویژه نامه به عنایت و خواست الهی بحث های مفید و قابل توجهی با استفاده از بیانات اهل بیت (علیهم صلوات الله) و پیروان راستین آنان - که اهل معرفت و نایل به مقام و جایگاه ولایتند - مطالبی ویژه نماز در معرض دید خوانندگان قرار می گیرد، در این مباحث سعی و تلاش بر این است که از مطالب تکراری و کلیشه ای که ملالت آور است پرهیز گردد، باشد که مورد پذیرش جستجوگران راه حقیقت قرار گیرد:

بس نکته غیرحسن بیايد که تاكسی مقبول طبع مردم صاحب نظرشود^۱

این ویژه نامه از این به بعد به مدد الهی در فصل نامه جامع تحت عنوان «مباحث تخصصی نماز» دنبال می گردد.



آداب معرفتی نماز*

آیا هر آنچه فرد مسلمان تحت این عنوان انجام می دهد همان نماز است ؟
آیا این نمازی است که از آن به عنوان پایه و عمود دین در روایات سخن گفته می شود؟
آیا این افعال و حرکات همان است که در گفته بعضی از بزرگان عنوان «معراج مومن» دارد؟
یا همان است که در روایات به معنای تقرب و نزدیک شدن به منبع بی نهایت از آن تعبیر گردیده است؟
اگر چنین است چرا در زندگی شخصی نمازگذار و به طور کلی در شیوه زندگی جوامع نماز گذار باز هم موارد ناپسند و مشکلات عدیده یافت می شود؟
مگر نه این است که حضرت حق تعالی فرمود: نماز از فحشاء^۲ و منکر باز می دارد؟

* - امور فرهنگی دانشگاه .

^۱ - دیوان حافظ .

* - امور فرهنگی دانشگاه .

^۲ - بدی که از حد درگذرد ، زمخشری ، کشاف .



چرا بسیاری از جوامع دینی و نمازگذار مملو از مشکلات، ناهنجاریها، سیاهی و تاریکی است؟ اساساً چرا این گونه جوامع هنوز هم در لیست کشورهای جهان سومی قرار دارد؟ جوابی باید یافت!! سوال جدی است!!

آنچه می‌توان بحق و شایستگی گفت این است که بلی نسخه درست است، زیرا پیچنده آن خداوند است، ولی دارویی که ساخت خود ماست گاهی مملو از تقلب است.

اگر به اصطلاح علم اصول ما در نام گذاری اعمی باشیم و یا ملاک در نماز، تنها رعایت همه ظواهر باشد، اینها همه نماز است و از دیدگاه فقهی صرف شاید رفع تکلیف کند، ولی از دیدگاه معرفتی و یا به تعبیری در فقه اکبر - که فقه ولایی است - اینها اواراد و حرکاتی است که البته راهی به معراج ندارد، و لذا به وضوح و روشنی می‌بینیم که جواب نمی‌دهد، معراج نمی‌شود، تقرب ندارد، ستون و پایه دین نمی‌شود، پس آخرت نمی‌سازد، دنیاساز هم نیست، زندگی آرام، شاد، آباد و مستقل ایجاد نمی‌کند. ولی متأسفانه این گونه موارد را برخی نه به پای خود که به پای اصل و اساس دین و دیانت می‌گذارند؟ نمی‌گوییم که:

شرح این هجران و این خون جگر این زمان بگذار تا وقت دگر^۱!

چرا که وقت دیگری نیست و زمان بسیار کوتاه است.
زمانی (حدود یک قرن پیش) کمی بیدار گشته و خود را عقب مانده یافتیم، و به کوتاهی دستان از دنیا و آخرت اعتراف نمودیم و سرودیم که:

بلی مشرق زمین باید به پا خیزد ره صدساله را یک شب بپیماید!!

ولی نمی‌دانیم که شرق گیتی که جوامع اسلامی عمدتاً زیر مجموعه آن است اگر چه بپاخواست ولی ره صد ساله را نه یکشب که به صد سال هم نپیمود!

در این رابطه نمی‌توان منکر راه بندهایی شده که از طریق هوای نفسهای داخلی و شیاطین همیشه در کمین خارجی ایجاد گردید، ولی متأسفانه بسیار بیش از حد از آنچه مربوط به کمبود صلابت و صداقت مسلمین است و باعث وضعیت موجود جهان اسلام گردیده غفلت کرده‌ایم. بنابراین باید آغاز کرد و اگر آغاز کرده‌ایم که البته همین گونه است نیاز به جدیت و سرعت بیش از این داریم. از گذشته می‌دانیم که نماز ظاهری، در مقابل امام مسلمین، خوارج نهروان می‌سازد، و امروزه نیز به خوبی مشاهده می‌کنیم که نتیجه نمازی که تقرب ندارد ساخت و ارائه اسلامی است که به وسیله اعمال خالی از خلوص و همراه با هوای نفس ابلیسی اعلام وجود کرده - و خود را سلفی و اصراف معرفی می‌کند و با ترفند شیاطین خارجی - چگونه جلوه ای از عصیت و توحش را به نام رسول گرامی(ص) - که رحمه للعالمین است - به بشریت قرن بیست و یکم معرفی و عرضه می‌کند.

می‌بینیم که اینها زائیده بی‌دینی و بی‌نمازی نیست، بلکه زائیده اعمال به ظاهر الهی و دینی است که مبنای آن جهل و خودشیفتگی و عمل زدگی و حتی خویشتن خداپنداری است.

و در نهایت کار به جایی می‌رسد که چنین نمازگذار نهروانی هنوز هم دست بردار نیست، تاجایی که حتی از مقبره نمازگذار علوی (اویس قرنی) - که اشاره ای به نماز وی خواهیم داشت - وحشت کرده آن را تخریب می‌کند.^۲



مقبره اویس قبل و بعد از تخریب توسط نمازگذاران بی نماز

^۱ - مثنوی، مولوی: سایت مولوی نامه

^۲ - سایت تحلیلی خبری عصرایران؛ «داعش درصدد انهدام کامل مزار اویس قرنی و عمار یاسر».



ارائه راهکار!

شاید تفکر وتامل در نمازِ نمازگذاران الهی اندکی مارا به حل مشکل - دست کم از بعد نظری- نزدیک گرداند . سخن از نماز امام امیرالمومنین(ع) بسی مشکل و درکش ناممکن است، ولی آیا نماز اویس قرنی نیز برای ما قابل درک است ؟ همان کسی که یک شب می‌گفت: امشب شب رکوع است و تمام شب را به یک رکوع و تنها یک رکوع تمام می نمود! اویس پیامبر نیست امام هم نیست اما فردی است که وقتی به دیدار پیامبر(ص) آمد و ایشان را ملاقات نکرد و رفت پس از آن پیامبر(ص) می‌فرمود: من از جانب یمن بوی رحمان استشمام می‌کنم!^۱ اینکه رسول گرامی(ص) از بین اسماء و اوصاف الهی صفت رحمان را در این مورد بکار می‌بردند این نیز مبهمی است که جای خود دارد. ولی برای اینکه بفهمیم حتی تصویر ذهنی از نماز اویس مشکل است به این پرسش و سوال توجه کنیم :

از او سوال شد؛ اویس، تودر رکوع چه می‌گویی؟

این همه ذکر از کجا می‌دانی؟

آری او سخنی گفت که جز فهم اویسی کسی را یارای درکش نیست ؟

اوگفت: آیا در رکوع، گفتن سه بارتسبیح مستحب نیست ؟

گفتند: چرا

گفت: من دومی را تمام نکرده‌ام که صبح می‌شود!^۲

باید توجه داشت که نمی‌گوییم جوامع اسلامی باید از جهت انجام ارکان و حرکات نماز همانند اویس باشد، اما آنچه مهم است درکی است که اویس اذ ذکر و نماز دارد!

آیا «سبحان الله» تنها یک ذکر لفظی است یا یک مقام ؟

آیا نماز تنها او راد وارکان است یا یک جایگاه ؟

باید در این موارد بسیار تامل کرد.

آن شوریده ای که سرود : «خوشا آنان که دائم در نمازند» آیا منظورش چه بود ؟

شیوه و راهکار تفکر و تامل در مورد نماز در کلام معصوم(ع)

در اینجا در باب آداب معرفتی نماز از بیانات منسوب به جناب امام صادق (ع) مدد می‌گیریم.

امام صادق (ع) فرمود: چون به قبله روی کنی، دل از دنیا و تعلقات آن و خلق برگیر.

قلب خویش را از هر چیزی که از پرداختن به خدای متعال بازت دارد، تهی کن.

با چشم دل به عظمت خداوند عزّ وجلّ بنگر و به یاد ایستادنت در محضر او باش.

خدای تعالی فرماید: (آن جاست که هر کس آنچه را از پیش فرستاده است می‌آزماید، وبه سوی خدا، مولای حقیقی خود باز گردانیده می‌- شوند).

و بر پای بیم و امید بایست.

و چون تکبیر گفتی، هر چه را که میان آسمان های رفیع و زمین است، جز کبریا ی او کوچک و خوار شمار !

چرا که خدا بر قلب بنده‌ای که تکبیرش می‌گوید، آگاه می‌باشد و چون در یابد که در آن، چیزی است که با تکبیر حقیقی اش منافی است، می‌فرماید:

ای دروغ گو! آیا مرا فریب می‌دهی؟!

به عزّت و جلالم سوگند که تو را از شیرینی یادم محروم کنم!

و تو را از مقام قریب دور سازم!

^۱ - نک: پایگاه اطلاع رسانی حوزه .

^۲ - نک: سایت گنجور ، عطار ، تذکره الاولیاء .



واز درک خوشی ولذت مناجاتم باز دارم!^۱
 بدان که خدای تعالی، به خدمت تو محتاج نیست واز تو وعبادت و دعایت بی نیاز است.
 او به فضل خود تو را خواند، تا ببخشایدت.
 واز عقوبت خویش دورت کند.
 واز برکات عطوفت ومهربانی خود بر تو افشاند.
 و به راه رضایش هدایتت کند.
 ودر مغفرت خویش را بر تو بگشاید.
 اگر خداوند چند برابر آنچه که از آغاز تا به حال آفریده بیافریند برای او هیچ تفاوتی ندارد که آن ها همگی کفر ورزند ویا موحد باشند.
 پس او را در عبادت آفریدگان، چیزی نباشد جز این که :
 از باب لطف و به پاس عبادت ناچیز آنان، مراتب والایی به ایشان عطا نماید.
 از این رو، شرم و ناتوانی را تن پوش خود ساز.
 و در حمایت سلطان و قدرت او درآی.
 تا از خوان نعمت الهی بهره ها بری.
 و مدد از او جو و به او پناه بر.^۲



^۱ - توضیح اینکه وقتی انسان به خدا و بزرگی خدا فکر کند و درعین حال برای افراد و اشیاء دیگر هم سهمی مستقل درزندگی خویش قابل باشد به نوعی درمقابل بزرگی خدا جایگاهی برای بزرگی وارزش افراد و اشیاء قبول کرده، واین به معنای یک اعتراف باطل ودروغین به بزرگی مطلق خداوند است ، والبته نجات ازاین چندگانگی و رسیدن به توحید نیازمند تلاشی پیگیراست ، که به آسانی و بدون عنایت الهی ممکن نیست :

غره مشو که مرکب مردان مست را
 در سنگلاخ بادیه پی ها بریده اند
 نومید هم مباش که رندان باده نوش
 گاهی به یک جرقه به مقصد رسیده اند
 (شعر از شیخ احمد جام به نقل از سایت مردان پارس)

^۲ - مصباح الشریعه ، به نقل از سایت www.Ghaemiyeh.com



نماز در ادیان مختلف

حمید کاظمی *

جایگاه نماز در ادیان غیر ابراهیمی

از آنجائی که خداوند سرشت انسان را خداپرست آفریده و خداشناسی و خداگرایی فطری است، لذا بشر در طول تاریخ همواره به دنبال پرستش و عبادت معبودی بوده است که مظهر و نمود عینی آن عبادت در ادیان الهی در نماز تجلی یافته است. اما اگر بیشتر درباره این موضوع بخواهیم کنکاش کنیم درمی یابیم که مسأله نیایش به ویژه نماز، مخصوص ادیان وحیانی نبوده بلکه در ادیان غیر وحیانی یا غیر الهی هم مطرح بوده که در زیر به برخی از آنها اشاره می کنیم.

به طور مثال در تاریخ ادیان جان ناس می خوانیم که بتیان در مواقعی که در دیر یا صومعه ای جشن معین بر پا می شد زوآر از هر طرف به آنجا روی می آوردند و هدایایی از جنس قماش و کره و غیره برای راهبان می آوردند و در آنجا چند روز اقامت کرده، به طواف و نماز و دعا و رقص مشغول می شدند و پس از یک سلسله عملیات سحرآمیز به اوطان خود مراجعت می کردند.^۱ و نیز یاد آوری شده: «در اواسط قرن ۱۴ میلادی بعد از این که امپراطوری مغول از دیار چین محو و منقرض گردید، یکی از راهبان بتی به نام «شونگ - خا - پا» در صدد اصلاحاتی در دین «لاما» بر آمد و شریعتی بنیان نهاد که به نام معبد زرد موصوف است. این اصلاح مذهبی انتظامات دیرها را شدیدتر و سخت تر گرداند و استعمال نوشابه های الکلی حرام و عبادت و نمازها زیادتیر معمول گردید.^۲» همچنین جان ناس به نقل از کتاب



پنجلی که به نام «راجه یوگه» موسوم است هشت قاعده برای جوکی سالک (یکی از مکاتب هندوان) مقرر داشته است که از جمله آن ها رعایت نظامات (یناما)، خودداری، نظافت، آرامش نفس، مطالعه و نماز.^۳

ویل دورانت در تاریخ تمدن خود در مورد عبادت یونان باستان می نویسد: «مؤمنان در جریان عبادت، خود را به مذبح، که در جلوی معبد قرار داشت می رساندند و به وسیله قربانی و نماز از خشم خدا ایمنی می یافتند و یاری او را جلب می کردند.^۴ و طبق آماری که جان ناس در کتاب تاریخ ادیان خود می آورد، معابد مذهبی شینتو (مذهب وطن پرستی ژاپن) تعدادشان در سال ۱۹۴۵ یکصد هزار می رسید. این معابد عموماً دارای حصار مقدس و دروازه هایی موسوم به «توری» که شهرت جهانی دارد و مناره ای به سبک گلدسته های مساجد اسلامی و برج زنگ و بالاخره برای عبادت بود. پیش از آغاز پرستش، زائر باید تطهیر می کرد و دست و دهان خود را می شست و در وضو خانه معبد وضویی می ساخت و با بر هم نهادن دو کف دست به محازات سینه که شیوه مخصوص پرستش ژاپنی است، تعظیم و با به صدا در آوردن زنگ و انجام نماز و نیایش و تعظیم محدود و در حالت مراقبه و تأمل از واجبات معابد بود.^۵

درباره کنفوسیوس آمده است، او ادعای این که پیامبر بوده و به او وحی می شده اشاره ای نکرده است، و در واقع بیشتر حکیم بوده تا این که مرد دین باشد، ولی با وجود این احساس، دینی داشت که منجر به احترام خدایان و مداومت بر اقامه شعائر دینی می شد. او نماز می خواند، در حالی که ساکت

* - مشاور فرهنگی دانشگاه شیخ بهائی

۱ - تاریخ جامع ادیان جان ناس ص ۲۴۶.

۲ - همان، ص ۱۴۷.

۳ - همان، ص ۲۷۰.

۴ - تاریخ تمدن، ج ۱، ص ۲۲۸.

۵ - تاریخ جامع ادیان جان ناس، ص ۴۲۷.



بوده، حرفی نمی‌زده است بر خلاف عادت مردم در زمان خودش و زشت می‌دانست نماز بخواند تا این که خداوند او را ببخشد و یا نعمتی به او بدهد، زیرا او معتقد بود نماز هدفی جز تنظیم سلوک افراد و الفت میان آن‌ها نمی‌باشد.^۱

از ادیان دیگر در زمان پارت‌ها و ساسانیان «صابئین و مندائیان» هستند. این قوم خود را صابی می‌نامیدند. صابی دین کسانی است که در زبان عربی «مغتسله» خوانده می‌شدند یعنی کسانی که در امر پاکیزگی تن و جامه و شستشوی در آب رودخانه دلبستگی کامل داشتند.^۲ نماز در آئین مندایی شبیه نماز مسلمانان بود و حتی قبل از نماز، وضو گرفتن را هم لازم می‌دانستند و یکی از اساسی‌ترین آداب و واجبات در دین مندایی - قبل از این که به نماز بایستند - انجام رشامه (وضو) است زیرا هر فرد مندایی باید سه بار در روز، صبح، ظهر و عصر عمل رشامه (وضو) را انجام دهد و این کار در بسیاری از مراسم دیگر مانند تعمید و غیره هم به جا آورده می‌شود و هر فرد برای این کار در بسیاری از مراسم دیگر مانند تعمید و غیره هم به جا آورده می‌شود و هر فرد برای این که بخواد وضو بگیرد باید اول نیت کند و نیز فکر خویش را پاک و از هر گونه آلودگی افکار مادی آزاد کند، آنگاه خالصانه به کنار رودخانه بیاید و با تواضع به طرف مجرای آب بایستد و دعاهایی را بخواند و به طریق خالص وضو بگیرد.^۳

همچنین براخه (نماز)، دعایی است که بعد از رشامه (وضو) خوانده می‌شود، هر روزی سه بار یعنی صبح، ظهر و عصر بعد از رشامه (وضو) انجام می‌شود. براخه در هر مکان که مقدور باشد می‌توان به جا آورد و نمازشان را با بوته ی (آیه) زیر که بوته ی توحید است آغاز می‌کردند. «به نام خدای بزرگ، خداوند را با قلبی پاک ستایش باد! پروردگار وجود دارد به شهادت تو ای خدای جاویدان که مالک عالم انواری و از ذات خویش منبعث شده ای و کسی را در وجود آمدنت دخالتی نبوده و نیست، نام تو هیچ گاه از بین نخواهد رفت، و بعد نوبت به ادای احترام به پیامبران و مقدسین می‌رسد که طولانی است».^۴

برای تأیید این مطلب در کتاب آثار الباقیه، ابوریحان بیرونی می‌گوید: صابئین سه نماز واجب دارند. نخست هنگام طلوع خورشید که هشت رکعت می‌باشد. دوم قبل از زوال خورشید از وسط آسمان که پنج رکعت می‌باشد. و سوم هنگام غروب آفتاب که پنج رکعت می‌باشد و در هر رکعت از نماز شان سه سجده است و در ساعت دوم روز یک نماز نافله می‌خواندند و یکی را در ساعت نه روز و سومی را در ساعت سوم از شب و از برای نماز طهارت و وضو به جا می‌آوردند و غسل جنابت می‌کنند.^۵ و شاهد دیگری که این مطلب را تأیید می‌کند سخنی از مرحوم شهرستانی در ملل و نحل می‌باشد آنجا که او می‌گوید: «صابئون همه آن‌ها سه نماز می‌خواندند و غسل جنابت و مس میت می‌کنند».^۶

بالاخره در مورد مانی و آئین او گفته شده که در شبانه روز چهار نماز را واجب می‌دانستند و نماز گزار باید با آب روان یا راکد مسح کند و روبروی آفتاب بایستد و به سجده رود و بگوید: «مبارک است راهنمای ما، فاراقلیط، پیامبر ما و مبارک است فرشتگان نگهبان او و مسبحان، لشکریان پرتو افشان او» پس از گفتن این کلمات برخیزد و راست بایستد و بعد به سجده دوم رود، بگوید: «به پاکی یاد شده ای تو ای مانی پرتو افشان و راهنمای ما، که ریشه روشنایی و نهال زندگی و شجره بزرگی هستی که تمامش بهبودی بخش است» باز بلند شود و بایستد و به سجده سوم رود و دعاهایی بگوید تا سجده دوازدهم.^۷

اوقات نمازهای آن‌ها عبارتند از: ۱- وقت نماز اول در هنگام زوال است (متماایل شدن خورشید از میانه آسمان به سوی مغرب) ۲- وقت نماز دوم بین زوال و غرب آفتاب است. ۳- وقت نماز سوم که نماز مغرب نامیده می‌شود بعد از غروب آفتاب تا سه ساعت بعد از آن می‌باشد. ۴- وقت نماز چهارم که نماز عشاء (شام) است، پس از گذشتن سه ساعت از غروب است. در تمام این نمازها و سجده ها نماز گزار باید همان کارهایی را انجام دهد که در نماز اول، انجام داده است.^۸

۱ - ذیل الملل و النحل شهرستانی، ص ۲۱

۲ - اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، ص ۴۵۱

۳ - همان.

۴ - همان، ص ۴۵۳

۵ - آثار الباقیه عن القرون الخالیه، ص ۲۰۶

۶ - ملل و نحل شهرستانی، ج ۲، ص ۵۷.

۷ - اصل و نسب و دین های ایرانیان باستان، ص ۲۶۳

۸ - همان.



جایگاه نماز در ادیان ابراهیمی (بجز اسلام)

۱- جایگاه نماز در آئین زرتشت

زرتشتیان نماز شان بسیار شبیه نماز مسلمانان بوده و همان طور در پنج وقت باید نماز و دعاها را مخصوص را بخوانند و نیز مقدماتی برای انجام مراسم عبادی دارند که بی شباهت به مقدمات نماز در اسلام نمی باشد. در کتاب «دیانت زرتشتی» آمده است، زرتشتی ها هر ۲۴ ساعت را به ۵ دوره یا گاه تقسیم می نمایند و آداب مذهبی تابع این پنجگانه است. بر هر زرتشتی مؤمن فرض است که در هر یک از پنج دوره، ادعیه و مناجات های خاص بخواند. این ادعیه و نیایش ها با ستایش و تمجید او رمزد همراه است و از اصول و واجبات ضروری زندگانی روزانه زرتشتیان محسوب می گردد. اما این روزه فرضیات پنجگانه را معمولاً موبدان به جا می آورند و اکثر زرتشتیان به خواندن ادعیه در صبحگاه و شامگاه اکتفا می کنند. جهت نیایش زرتشتیان، به سوی منبع نور (آفتاب، ماه و چراغ) می باشد و اکثر با خم شدن و سجده بر روی زمین و نشان دادن عبودیت و بندگی خود به او رمزد، دعای خود را پایان می دهند. فرضیات به زبان اوستایی تلاوت می شود. مؤمنین زرتشتی اغلب همراه آن، ادعیه ای نیز به فارسی یا گجراتی می خوانند. برخی از بهدینان نه تنها فرضیات را حفظ هستند بلکه بعضی از یشت ها و یا قسمتی از آنها - از جمله بهرام یشت - را حفظ می نمایند.^۱ جان ناس در تاریخ جامع ادیان خود می گوید: افراد زرتشتی در هر وقت روز بخوانند می توانند منفرداً به درون آتشکده بروند قبل از ورود به معبد دست و روی خود را آب شسته، قسمتی از اوستا را تلاوت کرده دعا و مناجات بخوانند. سپس کفش ها را از پا در آورده به اطاق معبد داخل می شوند و در برابر آتشدان مقدس نماز برده، هدیه و نیازی با مقداری چوب صندل به موبد تقدیم می دارند و برابر، یک چمچمه از خاکستر مقدس از او می - ستانند. و آن خاکستر قدوسی را به نیت کسب فیض و برکت به صورت و چشم خود می مالند. پس به سوی آتش، به تعظیم خم شده و آهسته رو به قهقراء رفته، به کفش کن می رسند و سپس به خانه خود باز می گردند.^۲

او در جایی دیگر خاطر نشان می سازد زرتشتیان شبانه روزی پنج بار نماز و پرستش خدای یگانه به جای آورند. نخست از سپیدی بامداد تا نیمروز (گاه هاون) دوم از نیمروز تا سه ساعت از نیمروز گذشته (گاه ریتون). سوم از سه ساعت از نیمروز گذشته تا پیش از تیرگی شام (گاه ایزرن). چهارم از تیرگی شام تا نیمه شب (گاه ایوه سزیترم). پنجم از نیمه شب تا سپیدی بامداد (گاه اشهن) و اشهن آغاز گاهان است.^۳ در آئین مزدیسنی از این نمازها سه نماز از همه مهم تر و معروف تر است. زرتشتیان قبل از هر چیز آن را به اطفال خود یاد می دهند. و در تمام قسمت های اوستا از این سه نماز، مکرر نام برده که عبارتند از:

۱- یثا اهوو ئیریو: یعنی به همان اندازه که سرور جسمانی (پادشاه) نیرومند است؛ سرور روحانی به واسطه داشتن صفات راستی و پارسایی خود، همچنان تواناست. بخشش فرشته بهمن از آن کسی است که فقط برای خدا کار کند و فیض قدرت الهی شامل کسی است که پاسبان بینوایان و حامی درویشان باشد.

۲- اشم و هو: یعنی راستی بهترین نیکی و سعادت است. سعادت از آن کسی است که راست و خواستار بهترین راستی باشد.

۳- نیگهه ها تام: یعنی فردا اهورا آگاه است از زنان و مردانی که در ستایش او هستند، به این گونه مردان و زنان به سبب پارسایی و پرهیزکاریشان درود می فرستیم.^۴

اکنون بحث در این باب را با سخن یکی از همین نویسندگان زرتشتی به پایان می بریم، او در پاسخ به این سؤال اینکه چرا باید نماز بخوانیم؟ می - گوید: شبانه روزی چند بار باید نماز کرد و نامه خدا را خواند تا آنچه اهورا مزدا فرموده به یاد و به جای آوریم و منش (اندیشه) و گوشن (گفتار) و کنش (کردار) خویش را برابر فرموده اهورا مزدا پاک و راست داشته گمراه نگردیم.^۵ این سخن مشابه آنچه در قرآن در مورد نماز گفته شده، می باشد. یعنی آیه «اقم الصلوة لذكری»^۶ نماز را به خاطر یاد من پیادار «ان ت الصلوة نهی عن الفحشاء والمنکر»^۷ «بدرستی که نماز انسان را از کارهای زشت و ناروا باز می دارد.»

۲- جایگاه نماز در آئین یهود

۱ - دیانت زرتشتی مقاله از دکتر مری بویس، ص ۱۵۵

۲ - تاریخ جامع ادیان جان ناس، ص ۴۸۱

۳ - آئینه آئین مزدیسنی، ص ۴۱

۴ - یکتا پرستی در ایران باستان، ص ۳۵۳ به همین مطلب هاشم رضی در کتاب زرتشت و تعالیم او ص ۱۳۲ اشاره کرده است.

۵ - آئینه آئین مزدیسنی، ص ۴۵

۶ - سوره طه، آیه ۱۴

۷ - سوره عنکبوت، آیه ۴۵



در این باب ابتدا از قرآن به عنوان متقن ترین منبعی که خبر از گذشتگان داده است شواهدی را درباره نماز در شریعت حضرت موسی - علیه السلام - خواهیم آورد. سپس از مضمون چند روایت از ائمه معصومین - علیهم السلام - درباره موضوع بحث خواهیم کرد،^۱ و در پایان هم به مطالبی از کتاب تورات (عهد عتیق) و نویسندگان و مورخان صاحب نظر استشهد می کنیم.

وقتی حضرت موسی - علیه السلام - در راه رسالت الهی با همسرش از وطن هجرت نمود و سر به بیابان گذاشت و در تاریکی و ظلمت شب، به طوفان و باران برخورد کرد و به خاطر سختی ها و مشکلات فراوان دستخوش اضطراب و ناراحتی گشت، پروردگار مهربان برای آرامش او به او وحی نمود که: «اننی انا الله لا اله الا انا فاعبدنی و اقم الصلوة لذکری»^۱ یعنی همانا من الله هستم و معبودی جز من نیست، پس مرا عبادت کن و نماز را برای یاد من بپادار. در این آیه پس از بیان عبادت خدای یکتا به حضرت موسی مسأله نماز یاد آوری شده است. در آیه ای دیگر به موسی و برادرش هارون دستور داده شده که: «شما و پیروانتان در مصر منزل گیرید و خانه هایتان را قبله و معبد قرار دهید و نماز به پا دارید»^۲. در این آیه هم، خطاب به موسی و هارون به پا داشتن نماز مطرح گردیده است.

همچنین قرآن در آیه ۷۷ سوره بقره ضمن اشاره به پیمانی که از بنی اسرائیل گرفته شده نماز را به عنوان یکی از ارکان و مواد این پیمان شمرده است. «و اذ اخذنا میثاق بنی اسرائیل لاتعبدون الا الله و بالوالدین احساناً... و اقيموا الصلوة» و هنگامی که از بنی اسرائیل ما پیمانی گرفتیم که جز او را نمی پرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. و نماز را به پا دارید. این آیه به طور آشکار از نماز به عنوان میثاق و پیمانی یاد کرده که از بنی اسرائیل، دوشادوش مسأله عبادت خداوند یکتا و نیکی به پدر و مادر و غیره گرفته شده است، که این خود بیانگر اهمیت مسأله نماز و شدت اهمیت به آن در شریعت آسمانی حضرت موسی - علیه السلام - است.

طبری در تفسیر خود در ذیل این آیه حدیثی را نقل می کند از قول امام باقر - علیه السلام - که فرمودند: احبار یهود و منافقین، مردم را به اقامه نماز و دادن زکات فرمان می دادند ولی خود انجام نمی دادند پس خداوند فرمان داد به آن ها که با مسلمانان تصدیق کننده پیامبر باشند و اقامه نماز کنند و...^۳

در تأیید این مطالب که یهودیان باید نمازهایشان را در معابد شان اقامه کنند در کتاب «گنجینه تلمود»^۴ آمده است که: «علاوه بر عبادت ها و نمازهای فردی و خصوصی که انسان به وسیله آن حاجات خود را از خدا می طلبد نمازهای جماعتی نیز هستند که افراد موظف هستند در آن شرکت جویند. اهمیت نماز جماعت در گفته هایی مورد تأیید قرار گرفته است. که در اینجا برای نمونه مطلبی را به نقل از براخوت - ۶ الف آورده: «دعا و نماز انسان فقط در صورتی مورد اجابت قرار می گیرد که در کنیسه خوانده شود»^۵ و درباره برگزاری نماز جماعت در کنیسه گفته شده است «هر آن کس که در شهر او کنیسه ای وجود دارد و برای خواندن نماز بدانجا نمی رود وی را همسایه بد می خوانند و با شدت، این همسایگان بد را مورد نکوهش و مذمت قرار می دهد»^۶.

بعد از بیان آیاتی چند از کلام الله مجید درباره نماز در آئین یهود، در روایاتی هم که از ائمه - علیهم السلام - به ما رسیده وجود نماز را در این شریعت آسمانی تأیید می کند که به بیان چند مورد از آن ها اکتفا می کنیم. از جمله، روایتی است در ارشاد القلوب دیلمی که می گوید: «خداوند سبحان به حضرت موسی بن عمران - علیه السلام - وحی فرمود: ای موسی!... اگر ببینی آن کسانی را که نماز می خوانند در تاریکی شب و خود را به من نزدیک می نمایند به حدی که گویی مرا می بینند و با من خطاب و تکلم می کنند، من به آن ها جلال و عزت می دهم»^۷ و نیز در روایتی دیگر آمده است که خداوند به حضرت موسی - علیه السلام - می فرماید: «علیک بالصلوة فانها لی به مکان و لها عهد وثیق»^۸ «بر تو باد نماز! زیرا آن جایگاهی خاص نزد من دارد و نزد من پیمانی محکم دارد».

۱ - سوره طه، آیه ۱۴

۲ - سوره یونس، آیه ۸۷

۳ - جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۲۰۳

۴ - تلمود به معنی تعلیم دیانت یهود و آداب آنهاست و در تاریخ ادبی و فکری قوم یهود کتاب تلمود بزرگترین و جامع تری کتاب شمرده شده است که این کتاب در قرن پنجم میلادی «یوخاس» نامی از روحانیون و اخام های یهود و با همکاری کاهنان یهودی دو کتاب «میشنا و گمارا» را با هم ترکیب و تلفیق کردند و چند کتاب کوچک دیگر به آن افزودند و در نتیجه کتاب ترکیبی را به نام تلمود خواندند. (به نقل از کتاب سیر تحول دین یهود و مسیحیت صفحه ۱۶۹)

۵ - گنجینه تلمود، ص ۱۰۳

۶ - همان مدرک، ص ۱۰۳

۷ - ارشاد القلوب دیلمی، ج ۲، ص ۱۹

۸ - تحف العقول، ص ۴۹۲



در مورد چگونگی اقامه نماز در میان بنی اسرائیل، در کتاب اشعیا فصل چهل و پنجم آیه ۲۴ معین شده، در بنی اسرائیل معمول بوده است که رکوع و سجود و تشهد و خم کردن زانویی نداشته و ندارند و جمیعاً عباداتشان قاعداً، مربع نشسته و می نشینند و بسیار دو زانو نشستن را بد دارند و اعراض کرده و می کنند و بچه ها را از ابتدا از نشستن دو زانو منع می کنند.^۱

در پایان این بحث به نمونه ای از دعاهایی که دانشمندان تلمود نقل کرده اند و اکنون بخشی از نماز آنهاست اشاره می کنیم. «ای خدای ما، میل و رضای تو بر این تعلق گیرد که به ما عمری دراز عطا فرمایی، عمری مشحون از صلح و سلامت، پر از نیکی و رحمت، آکنده از برکت، با معیشت و روزی حلال، همراه با تندرستی و نیروی جسمانی، قرین با ترس از خطای عمری که در آن خجالت و شرمندگی یافت نشود، عمری توأم با ثروت و عزت و سعادت، که در آن عشق به تورات و علم و دانش و ترس از خدا دل و جان ما را پر کند، و تو در آن، همه آرزوهای قلبی ما را به خوبی و خوشی بر آورده سازی»^۲.

بالاخره در کتاب گنجینه تلمود چنین نتیجه گیری شده: «دانشمندان یهود دعا و نماز را چیزی بزرگتر و والاتر از در خواستی برای رفع احتیاجات مادی می دانند در عین حال که تقاضای زندگی جسمانی را از یاد نبرده اند، ایشان دعا و نماز را به عنوان واسطه ای برای ارتباط با خدا و گسترش پاک ترین و عالی ترین احساسات و انگیزه های طبیعی انسان به کار می برند. در نظر ایشان عبادت و خواندن دعا و نماز ورزشی روحانی است برای افزودن قدرت روان، بدین نیت که روح، نیروی فرمانده زندگی و ارباب و سرور جسم شود»^۳ از مجموع آنچه گفته شد به خوبی می توان دریافت که نماز در آئین یهود از دستورات قطعی و واجبی بوده که توسط حضرت موسی - علیه السلام - به مردم ابلاغ شده است. و خود آن حضرت اهتمام زیادی بر انجام آن داشته اند.

۳- جایگاه نماز در آئین مسیحیت

در این باب نیز همچون باب گذشته ابتدا به نمونه هایی از آیات و روایات در ارتباط با موضوع نماز در این شریعت آسمانی خواهیم پرداخت و سپس شواهدی را از کتاب انجیل مقدس (عهد جدید) آورده و از نظر چند تن از مورخان و نویسندگان صاحب نظر در این باب بهره خواهیم گرفت. اما قرآن در آیات متعددی چندین بار از حضرت عیسی - علیه السلام - سخن به میان آورده است. آنگاه که مریم پاکدامن طبق قدرت و به معجزه خداوندی بدون داشتن همسر حامله گردید و فرزندش حضرت عیسی را به دنیا آورد. این وضع موجب شگفتی و حتی باعث تهمت ناروا به او گردید که در این هنگام مریم به فرمان خدا سکوت کرد تنها کاری که انجام داد این بود که اشاره به نوزادش کرد و افراد ماجرا جو را به طرف گهواره عیسی - علیه السلام - ارجاع داد. اما این کار بیشتر تعجب آن ها را برانگیخت و برخی آن را حمل بر سخریه گرفته و خشمناک شدند ولی این حال چندان به طول نکشید، چرا که آن نوزاد زبان به سخن گشود و گفت: «آئی عبدالله آتانی الکتاب و جعلنی نبیاً و جعلنی مبارکاً این ما کنت و اوصانی بالصلاة و الزکاة ما دمت حیاً»^۴ «به درستی که من بنده خدایم به من کتاب (آسمانی) داده و مرا پیامبر قرار داده است، مرا هر کجا باشم مایه برکت گردانید و تا زنده ام به زکات و نماز سفارش کرد.

در این آیه حضرت عیسی - علیه السلام - پس از بیان این که فرستاده خداست و کتاب آسمانی به او داده شده از میان برنامه ها، توصیه به نماز و زکات را مطرح می کنند.

آنهم با بیان «مادامی که زنده باشم»، و این به خاطر اهمیت فوق العاده این دو برنامه است چرا که این دو، رمز ارتباط خالق و خلق است. در تفسیر این آیه آمده است: این آیه دلالت دارد به این که نماز و زکات و نیکی به پدر و مادر بر امت های گذشته واجب بوده است، پس حکمش ثابت می باشد و در هیچ شریعتی امر به آن نسخ نشده است.^۵

این آیه به خوبی مؤید این مطلب می باشد که در شریعت آسمانی حضرت عیسی - علیه السلام - نماز و اقامه آن، از واجبات می باشد که در شریعت آسمانی حضرت عیسی - علیه السلام - نماز و اقامه آن، از واجبات مهمی بوده که از طرف خداوند از ابتدای تولد به آن حضرت توصیه شده بود و مادرش حضرت مریم - علیه السلام - هم از طرف فرشتگان امر به اقامه نماز شده بود. چنانچه از جمله پندهای حضرت عیسی - علیه السلام - در

^۱ - همان، ص ۲۲۷

^۲ - همان، به نقل از (براخت، ۱۶ ب)

^۳ - گنجینه تلمود (براخت، ۱۷ الف)، ص ۱۰۶

^۴ - سوره مریم، آیه ۳۰

^۵ - الجامع الاحکام القرآن، ج ۱۱، ص ۱۰۳



انجیل است: «به حقّ برایتان می‌گویم، چیزی بالاتر از نظر شرافت اخروی و یاری‌کننده‌تر بر حوادث دنیوی از نماز همیشگی نیست و چیزی نزدیک‌تر از آن به خداوند رحمان نیست، پس مداومت بر آن نمایید و آن را زیاد بشمرید. و هر کار شایسته‌ای نزدیک می‌کند (ما را) به خدا پس نماز به سوی او نزدیک‌کننده‌تر است و برگزیده‌تر در نزد اوست»^۱

در قاموس کتاب مقدّس در بخشی تحت عنوان نماز آمده است که (نماز از جمله واجبات دینیّه همه روز تمام ملل و مذاهب است چه به صورت منفرد و چه به صورت جماعت، و مقصود از نماز، گفتگو کردن و صحبت داشتن با خدا و خواستن احتیاجات و اظهار تشکّر و امتنان برای الطاف و مراحم حق تعالی می‌باشد)^۲

در قاموس کتاب مقدّس می‌خوانیم «روح القدس وضع و طور و طرز نماز را به ما می‌آموزد و جمیع انبیاء و مؤمنین و مقدّسین سلف برای نماز و دعا مشهور بوده‌اند. از جمله حضرت ابراهیم - علیه السلام - و موسی و یوشع و سموئیل و داود، چنانچه از تمام مزامیز، آن چنان واضح می‌گردد و بسیاری از اوقات، منجی ما منفردا برای دعا و نماز در صحراها می‌رفت»^۳

همچنین در قاموس کتاب مقدّس در مورد فایده نماز آمده است. «فایده دعا و نماز متبّنه ساختن قوی و منور نمودن قلوب و ضمائر و سبب ترغیب و استحکام اعتماد و توکل بر حضرت خالق و قادر کلّ می‌باشد به طوری که از آن پس امکان دارد استدعاها و درخواست‌ها و تضرعات ما را مرحمت فرماید، اما نماز خانگی که عبارت از نماز جماعتی اهل خانه باشد، سبب استحکام و تقویت و تسلّط والدین و حفظ نظامات خانوادگی شده حقایق دینی را در قلوب اطفال غرس می‌نماید»^۴

مسیحیان در کنیسه‌هاشان کتاب مخصوص برای نماز دارند و بر حسب آن چه در آن مکتوب است نماز باید بخوانند و اما درباره نماز ارتجالی (فرادی) که شخص مصلیّ به خودی خود نماز کند این است که افکار و استدعاهای مخصوص خود را به نوع مخصوص در حضور خالق خود می‌آورد و البته در این صورت با اختلاف ظروف و حرارت نفس مصلیّ، تفاوت کلی خواهد داشت و به هیچ وجه مقید به قیود مخصوصه نخواهد بود. طبق معتقدات اینان، مراعات اوقات معینّه برای نماز خالی از اهمیت نخواهد بود، چنان که یهود در ساعت سوم و ششم و نهم روز و ساعت اول شب و آخر شب و وقت تناول طعام نماز می‌گزارد، و بلندترین نمازی که مسیح به جا می‌آورد و نسبت به سایر نمازها اهمیتش بیشتر است همان نماز آخری است که حضرتش با شاگردان و به جهت شاگردان خود بجا آورد که به سه قسم تقسیم می‌شود، اول دعا به جهت خودش فی نفسه، دوم دعائی که به جهت محافظت شاگردان خود فرمود، سوم دعا به جهت مؤمنین که از آن وقت تا آخر الزمان ایمان خواهند آورد.^۵

۴- نماز و دیگر شرایع آسمانی



همان گونه که اشاره شد نماز در تمام ادیان و شرایع الهی بوده است که به برخی از سایر شرایع آسمانی اشاره می‌نماییم:

الف - نماز حضرت آدم (علیه السلام):

در تفسیر علی بن ابراهیم قمی در ذیل آیه: «فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ کَلِمَاتٍ»^۶ روایتی از امام صادق - علیه السلام - نقل شده که در فرازی از آن تصریح شده به این که «حضرت آدم پس از اقامه نماز عصر جبرئیل به او نازل شد و کلمات توبه را به اذن حق به وی تعلیم داد» و این خود نشان‌دهنده این معنی است که نماز از جانب خداوند به عنوان عبادتی بزرگ در زمان

^۱ - تحف العقول، ص ۵۰۸

^۲ - قاموس کتاب مقدّس، ص ۸۸۷

^۳ - کتاب مقدّس (عهد جدید)، ص ۳۸۴

^۴ - همان، ص ۳۸۵

^۵ - قاموس کتاب مقدّس، ص ۸۸۹

^۶ - بقره / ۳۵، یعنی پس آدم از پروردگارش کلمات را فرا گرفت.



حضرت آدم ابوالبشر - علیه السلام - مطرح بوده است و شریعت آن حضرت از نماز خالی نبوده است.^۱ همچنین مرحوم شیخ حرّ عاملی - رحمه الله - در کتاب شریف «وسائل الشیعه» روایتی را از قول امام صادق - علیه السلام - نقل می‌کنند که چون حدیث، مفصل می‌باشد فرازهایی از ترجمه آن را نقل می‌کنیم: «زمانی که حضرت آدم - علیه السلام - از بهشت، هبوط نمود نشان (خال) سیاهی تمام بدنشان را فرا گرفت. پس اندوه حضرتش زیاد شد و بر آنچه آشکار شده بود گریست. جبرئیل آمد و گفت چرا گریه می‌کنی؟ ای حضرت آدم! گفت: از این خال و نشان سیاهی که در من آشکار شده است گفت: ای حضرت آدم! نماز بخوان این زمان نماز اولی است پس حضرت نماز را به جا آوردند پس نشان سیاه از سر آن حضرت به گردنشان رسید.

بعد دوباره جبرئیل آمد و گفت حال زمان نماز دوم است پس حضرتش نماز دوم را اقامه نمود. نشان سیاه به قسمت شکم آن حضرت رسید (جای ناف) و همین طور بعد از نماز سوم به زانوهای و بعد از نماز چهارم به پاها و پس از خواندن نماز پنجم به کلی نشان و خال سیاه از بین رفت آنگاه جبرئیل گفت: ای حضرت آدم! مثل فرزند تو به این نشان، مانند مثل توست به این نشان و خال سیاه، از فرزندان تو آن کسی که در هر شبانه روز نمازهای پنجگانه را بخواند از گناهانش رهایی می‌یابد. همانگونه که تو از این نشان و خال سیاه رهایی یافتی.^۲

ب) نماز و حضرت نوح (علیه السلام):

مرحوم مجلسی (رحمه الله) در بحار الانوار روایتی را از امام باقر - علیه السلام - نقل می‌کنند که در آن، حضرتش در مورد شریعت حضرت نوح - علیه السلام - می‌فرمایند: «شریعت حضرت نوح - علیه السلام - این بود که خدا را به یگانگی و خالصانه و بدون این که شریک برای او قائل شوید بپرستید همان فطرت و سرشتی که بر آن، مردم را آفرید و خداوند، او را به نماز و امر و نهی و حلال و حرام و... فرمان داد»^۳ در این روایت، آشکارا امام پنجم - علیه السلام - نماز را از دستورات مهمی بر می‌شمرد که خداوند پس از مسأله توحید، آن را به پیامبرش حضرت نوح - علیه السلام - متذکر می‌شود و این خود نشانگر مرتبه والایی است که این عبادت بزرگ در نزد خداوند دارد.

ج) نماز و حضرت ادریس (علیه السلام):

از امام صادق - علیه السلام - روایتی نقل شده است که ایشان از مسجد سهله در کوفه به عنوان خانه حضرت ادریس پیامبر - علیه السلام - یاد کرده که در آن خیاطی می‌کردند و نماز می‌خواندند. روایت در جلد ۱۱ بحار الانوار آمده است: «عن الصادق - علیه السلام - قال: اذا دخلت الکوفه فأت مسجد السهله فصلّ فيه و اسأل الله حاجتک لدینک و دنیاک فانّ مسجد السهله بیت حضرت ادریس النبی - علیه السلام - الّذی کان یخیط فیه و یصلّی فیه و من دعا الله فیه بما احبّ قضی له حوائجه». «هنگامی که وارد کوفه شدی پس به مسجد سهله برو و در آن نماز بخوان از خداوند حاجت دنیوی و اخروی خود را بخواه زیرا مسجد سهله خانه حضرت ادریس - علیه السلام - بوده که او در آنجا خیاطی می‌کرد و نماز می‌خواند و کسی که خدا را در آنجا بخواند، حاجت‌هایش برآورده می‌شود».^۴



^۱ - تفسیر القمی، ص ۱، ص ۳۷ و ۳۸

^۲ - وسائل الشیعه، ص ۳، ص ۹ و ۱۰

^۳ - همان، ج ۱۱، ص ۳۳۱

^۴ - بحار الانوار، ج ۱۱، ص ۲۸۰



(د) نماز و حضرت ابراهیم (علیه السلام):

حضرت ابراهیم - علیه السلام - که قهرمان توحید است، کعبه را به فرمان خدا ساخت. در پایان این کار بزرگ رو به درگاه الهی نمود و چنین با خداوند به راز و نیاز پرداخت: «ربنا انی اسكنت من ذریّتی بوادغیر ذی زرع عند بیتک المحرم ربنا لیقیما الصلوة»^۱. «پروردگارا من برخی از فرزندانم را در سرزمین بی آب و علفی در کنار خانه ای که حرم تو است ساکن ساختم تا نماز را بر پای دارند.» در این آیه حضرت ابراهیم - علیه السلام - غرض از اسکان اسماعیل و مادرش هاجر را مسأله نماز مطرح می‌کند و در فراز دیگری از دعاهایش می‌گوید: «رب اجعلنی مقيم الصلوة و من ذریّتی ربنا و تقبل دعاء»^۲ پروردگارا مرا برپا کننده نماز قرار ده و همچنین نسل مرا نماز گزار قرار ده و در خواست می‌کند که دعایش را بپذیرد.

(هـ) نماز و حضرت اسماعیل (علیه السلام):

قرآن در آیه ۵۴ سوره مریم پس از این که حضرت اسماعیل - علیه السلام - به عنوان پیامبر و نبی سخن می‌گوید و برخی از ویژگی‌های او را به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) گوشزد می‌کند به این که آن حضرت صادق الوعد (در وعده‌های صادق بوده) و پیامبری عالی مقام است می‌فرماید: «و کان یأمر اهله بالصلوة و الزکاة و کان عند ربک مرضیاً»^۳ «و او (حضرت اسماعیل - علیه السلام -) همواره خانواده اش را به نماز و زکات فرمان می‌داد و همواره مورد رضایت پروردگارش بود.» و ما مشابه همین فرمان را خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) داریم: «و امر اهلک بالصلوة و الصطبر»^۴ یعنی خانواده خود را به نماز دعوت کن و بر انجام نماز، شکیبا باشد.



و جالب‌تر این که خداوند در پایان آیه اشاره می‌کند که حضرت اسماعیل با انجام این دو وظیفه و سایر کارهایش، رضایت خداوند را جلب نموده است. یعنی اینگونه برداشت می‌شود که از جمله کارهایی که جلب رضایت خداوند را می‌کند اقامه نماز و خانواده خود را به نماز فرا خواندن است.

^۱ - سوره ابراهیم، ص ۳۷

^۲ - همان مدرک، ص ۴۰

^۳ - سوره شعراء، آیه ۲۱۴



و) نماز و حضرت اسحاق و یعقوب (علیهما السلام):

خداوند در قرآن از جمله موهبت‌های مهمی را که به حضرت ابراهیم - علیه السلام - داده، داشتن فرزندان صالح و نسلی برومند و شایسته است آنجا که می‌گوید: «و وهبنا له اسحاق و یعقوب نافلة و کلاً جعلنا صالحین و جعلناهم ائمةً یهدون بامرنا و اوحینا الیهم فعل الخیرات و اقام الصلوة و ایتاء الزکاة و کانوا لنا عابدین»^۱ و به او (حضرت ابراهیم) اسحاق و علاوه بر او یعقوب را بخشیدیم و همه آن‌ها را مردانی صالح قرار دادیم و آن‌ها را پیشوایانی قرار دادیم که به فرمان ما (مردم را) هدایت می‌کنند و انجام کارهای نیک و بر پا داشتن نماز و ادای زکات را به آن‌ها وحی نمودیم و آن‌ها هم به عبادت ما پرداختند.

ز) نماز و حضرت داود (علیه السلام):

برای تأیید این که حضرت داود - علیه السلام - هم به اقامه نماز اهتمام و توجه خاص داشته‌اند، روایتی را که از حضرت صادق - علیه السلام - به دست ما رسیده نقل می‌کنیم: «حضرت داود - علیه السلام - گفت: خدای را بسیار عبادت می‌کنم و بسیار او را می‌خوانم به اندازه‌ای که کسی ماندنش را هرگز انجام نداده پس وارد محراب نمازش می‌شد و عبادت می‌کرد»

ح) نماز و حضرت سلیمان (علیه السلام):

علی بن ابراهیم قمی در تفسیر آیه ۳۰ سوره ص «و وهبنا لداود سلیمان نعم العبدان» روایتی را از امام صادق - علیه السلام - نقل می‌کند که آن حضرت می‌فرماید: «حضرت سلیمان - علیه السلام - اسب‌ها را دوست می‌داشت. روزی مشغول سان دیدن از اسب‌ها شد و به نظاره آن‌ها سر گرم گردید تا این که خورشید غایب شد و نماز عصرشان فوت گردید. پس حضرت را غم و ناراحتی شدیدی فرا گرفت لذا از خداوند درخواست نمودند که خورشید را بر او برگرداند تا این که نماز عصر را بخواند. پس خداوند بلند مرتبه خورشید را باز گرداند تا نماز عصرشان را خواندند»^۲ این حدیث با آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره «ص» قابل تطبیق است. «یاد کن وقتی را که بر او اسب‌های بسیار تند رو و نیکو را هنگام عصر ارائه دادند (و او به بازدید اسبان پرداخت برای جهاد در راه خدا و از نماز عصر غافل ماند) در آن حال گفت (افسوس) که من از علاقه و حبّ (اسب‌های) نیکو از ذکر و نماز خدا غافل شدم تا آن که آفتاب در حجاب شب رخ بر تافت. آنگاه خطاب کرد که «امر خدا آفتاب را باز گردانید.» این آیه و روایت، بیانگر اهمیت فوق العاده این فریضه الهی در نزد حضرت سلیمان بوده است و به اندازه‌ای که یک نماز عصرش که به دلیلی از او فوت می‌شود از خداوند درخواست باز گرداندن خورشید را می‌کند تا آن نماز فوت شده را در وقت خصوص به خود بخواند.



ط) نماز و حضرت یونس (علیه السلام):

خداوند در سوره صافات به جریان زندگی حضرت یونس - علیه السلام - اشاره می‌کند که آن حضرت چون از تبلیغ نمودن در میان قوم خود مأیوس شد و به سوی کشتی فرار نمود که طبق روایات ماهی بزرگی راه راه بر کشتی می‌گیرد و دهان باز کرده گویی غذایی می‌طلبد. سر نشینان کشتی گفتند به نظر می‌رسد گناهکاری در میان ماست که باید طعمه این ماهی شود لذا چاره‌ای جز قرعه زدن نبود که وقتی قرعه زدند نام یونس در آمد، سپس ماهی حضرت یونس - علیه السلام - را بلعید در حالی که مستحق ملامت بود.

مراد ما از بیان این جریان، همان دنباله این آیات است که می‌گوید: «فلو لا اَنَّهُ کان من المسبحین للبت فی بطنه الی یوم یبعثون»^۳ اگر او از تسبیح‌کنندگان نبود تا روز قیامت در شکم ماهی می‌ماند. در ذیل این آیه مرحوم طبرسی در تفسیر شریف مجمع البیان از قول قتاده می‌فرماید «نقل شده که منظور از تسبیح و ستایش یونس، نماز او بوده است».

^۱ - سوره انبیاء ، آیه ۷۱ ، ۷۲

^۲ - بحار الانوار ، ص ۹۸ و ۹۹

^۳ - سوره صافات ، آیه ، ۱۴۳-۱۴۴.

در نازم غم لبروس تو بر یاد آید
 از من اکنون طمع صبر و دل و حوش مدار
 با صاف شد و مرغان چمن مست شدند
 بوس مجبور ز لادناع جهان مر شوم
 امر مردس هنر از بخت کفایت منما
 و لغز جان بناتر همه زبرد بستند
 زیر باند و خان که تعلق دارند
 مطرب از گفته حافظ غزل نقر بخوان
 حاتر رفت که محراب به فریاد آید
 کانت تحمل که تو پیدی همه بر باد آید
 موسم حاشر و کاد به بنیاد آید
 شاد آرد گل و باد صبا شد آید
 جلد حسن پیدار که دلداد آید
 دلبر ماست که با حسن خداداد آید
 ای خوش سر که از باد غم آلود آید
 تا بگویم که ز عهد طربم یاد آید